



۳ مرداد وفات فیض الاسلام

او را احیاگر نهج البلاغه می‌دانند. خودش می‌گوید: «از سال‌های دراز، این کتاب مقدس مورد مطالعه بنده بود. روزبه‌روز شوقم به خواندن و اندیشه در آن زیادتر می‌شد. گویا چیزی نمی‌دیدم مگر کتاب نهج البلاغه و سخنی نمی‌شنیدم مگر فرمایش امیرالمؤمنین علی (علیه السلام). و هرگاه با فضلا و دانشمندان ملاقاتی پیش می‌آمد، قبل از شروع هر سخن، در باب عظمت و بزرگی نهج البلاغه سخن گفته و به آنان یادآوری می‌نمودم که سید شریف رضی یکی از شاهکارهای تألیف را در این کتاب به کار برده...»

۵ مرداد اولین نماز جمعه پس از پیروزی انقلاب اسلامی

«نماز جمعه صف عبادت و صف حق‌پرستی، صف قنوت وجدان‌های بیدار خداپرستان، در عین حال صف فرماندهی، صف جنگ و فرمانبری است... آن صف مختصری که در ابتدای هجرت و در آغاز تأسیس مجتمع قسط و عدل اسلامی در بیابان‌های مدینه تأسیس شد، گسترش پیدا کرد، ادامه یافت و شرق و غرب دنیا را فرا گرفت...» سومین روز از ماه مبارک رمضان بود. مردم گوش سپرده بودند و آیت‌الله طالقانی سخن می‌گفت.

۸ مرداد بزرگداشت شیخ شهاب‌الدین سهروردی

در منطق و فلسفه و حکمت و اصول فقه سیر می‌کرد؛ اما هدفش رسیدن بود. «فلسفه اشراق» او تنها به معنای «درخشندگی و برآمدن آفتاب» نبود. «نور الانوار» برخاسته از وجود او بود تا به شناخت برسد و به قول خودش:

هان تا سر رشته خرد گم نکنی
خود را ز برای نیک و بد گم نکنی
رهرو تویی و راه تویی، منزل تو
هشدار، که راه خود به خود گم نکنی

۱۱ مرداد: وفات شیخ مفید

خوش به حالت شیخ مفید! چه لذتی دارد آدم نامه‌های مولایش را بخواند و پیامش را به آن‌ها که باید، برساند. چه سعادت است که انسان به درجه‌ای برسد که امام زمان (علیه السلام) به او چنین بنویسد: «این نامه‌ای است به برادر راستگو درستکار و دوست مخلص ما، کسی که در راه یاری ما کوتاهی نکرده و وفا را رعایت کرده است. خداوند تو را با دید قدرتش که هرگز به خواب نمی‌رود، محافظت فرماید... زمانه، از گذشته سخت‌تر و دشوارتر شده است... خداوند ابا دارد از این که حق را ناتمام گذارد و باطل را از بین نبرد...» خوش به حال و روزت که بوی آقا را شنیدی و دست خط مبارک ایشان را دیدی. ما که لیاقت دیدن رویش را نداریم.

۱۵ مرداد شهادت عباس بابایی

شب عید بود. طلاهای همسرش را داد و گفت: «این‌ها را بفروش. فردا به پولش نیاز دارم.» دوستش اصرار کرد: «اگر پولی نیاز دارید، برایتان فراهم کنم.» اما عباس حرفش یک کلام بود. پول طلاها که به دستش رسید، دسته‌ای اسکناس در دست‌های دوستش گذاشت و گفت: «شما کارمندها عیال‌وار هستید. خرج‌تان زیاد است و من نمی‌دانم باید چه کار کنم. این را بگیر و برو شب عیدی چیزی برای خانواده‌ات بخر.» همان شب، بقیه پول طلاها را بین سربازان متاهل تقسیم کرد.

۲۵ مرداد معراج حضرت رسول (صلی الله علیه و آله)

«ای احمد! محبت من کسانی را در بر می‌گیرد که برای رضای من محبت، عطاوت و مهربانی می‌کنند و برای من با دیگران می‌پیوندند. محبت من کسانی را در بر می‌گیرد که بر من توکل می‌کنند. برای محبت من، نه نشانه ویژه‌ای است و نه پایانی. هرگاه نشانه‌ای را از سر راه محبوبان خویش بردارم، نشانه دیگری را جایگزین خواهم کرد. اینان کسانی هستند که به مردم همان‌گونه می‌نگرند که من می‌نگرم و دست نیاز به سوی خلق دراز نمی‌کنند. شکم آنان از مال حرام، تهی است. خوشی و کامرانی آن‌ها در دنیا، یاد و محبت و خشنودی من از ایشان است.»

۲۷ مرداد بازگشت آزادگان به کشور

وسایل، غذا و لباس‌هایی که به آن‌ها می‌دادند، کم بود. بارها پیش آمده بود که سالم‌ترها غذایشان را به مجروحین می‌دادند و خیلی روزها را روزه می‌گرفتند. اسرایی که سالم و سرحال‌تر بودند، مجروحین را به حمام می‌بردند. لباس‌های خود را پاره می‌کردند و جای زخم‌هایشان می‌گذاشتند؛ حتی برای کتک خوردن از عراقی‌ها، پیش قدم می‌شدند تا شلاق و چوب، سر و بدن اسرای زخمی را نرنجاند. کجا را سراغ دارید که بتوان اיתار در ایتار را بیش از این دید؟

۲۸ مرداد کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

آیت‌الله کاشانی و مصدق برای جلوگیری از افزایش اختلاف و سوء استفاده دشمن، اعلامیه‌ای مشترک منتشر کردند: «... لازم دانستیم به اطلاع عموم هموطنان عزیز برسانیم ما همان‌طور که از اوان نهضت ملت ایران هم‌قدم بوده‌ایم، اکنون هم در راه مشترک که تأمین استقلال کشور و سعادت مردم مملکت بر آن استوار می‌باشد، همواره مساعی بوده هر یک در انجام وظایف خود در حصول به مقصود، از هیچ‌گونه همکاری خودداری نخواهیم داشت...» و بار دیگر توطئه‌ای آمریکایی خنثی شد.